

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

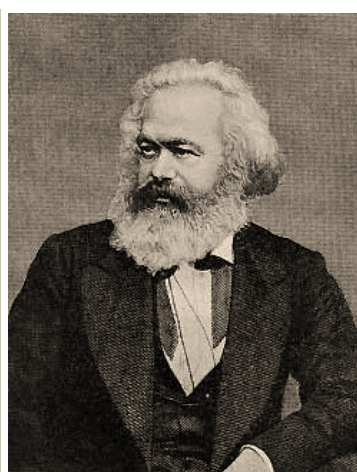
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس  
برگردان از: حمید محوی  
ویراستار پورتال: موسوی  
۱۰ جنوری ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۴

۵- کارل مارکس : انقلاب در چین و در اروپا

۲۰ مه ۱۸۵۳

روزنامه نیویورک دیلی تریبون، شماره ۳۷۹۴

۱۴ جون ۱۸۵۳

یکی از اندیشمندان برجسته و بی بدیل در نظریاتش پیرامون اصولی که معرف چگونگی جریانات و تحولات عالم بشریت است، برحسب عادتی که نزد استادان یافت می شود و آن چنان که به رموز طبیعت آگاه اند، به تجلیل موضوعی می پرداخت که قانون وحدت اضداد می نامید<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> Hegel هگل

مثل معروف قدیمی که می گوید «دو سر يك طناب به هم می رسند» به زعم او مشحون به حقیقتی بزرگ و گویا در همه عرصه های زندگی بود و در عین حال امری بدیهی تلقی می شد و علاوه بر این فلسفه را نیز گریزی از آن نبود، همانگونه که ستاره شناسی نمی توانست نسبت به کشفیات بزرگ کپلر و نیوتن بی اعتناء بماند.

این پرسش که آیا وحدت اضداد اصلی جهانشمول هست و یا نیست، در هر صورت شاهد بسیار بارز آن را می توانیم در تأثیراتی که انقلاب چین<sup>۲</sup> بر جهان تمدن باقی گذاشت، به روشنی مشاهده کنیم. چنین وجه نظری ممکن است عجیب و در عین حال تناقض آمیز به نظر رسد که قیام آینده توده های مردم قاره اروپا و جنبش آینده آنها به نفع آزادی های جمهوری خواهانه و رژیم با خصوصیته برجسته تر از نظر اقتصادی، بتواند به احتمال قوی به حوادثی بستگی داشته باشد که هم اکنون در سرزمین آسمانی و در قطب مخالف اروپا در شرف وقوع است. که حوادثی نظیر آنچه پشت دیوارهای چین روی می دهد بتواند از عوامل سیاسی موجود، و حتا بیش از تهدیدات روس واجد اهمیت باشد که ممکن است به جنگی همه گیر در اروپا بینجامد. با این حال چنین امری به هیچ عنوان تناقض آمیز و دور از واقعیت نیست، و هر فردی که زحمت تحلیل چنین موقعیت هائی را به خود هموار سازد می تواند به درک آن نائل بیاید.

به هر دلیل اجتماعی و یا مذهبی و یا اموری که به امپراتوری و یا امور ملی مربوط می شود، مهم ترین مسأله از حدود ده سال پیش تا کنون این است که مردم چین دائماً در حال شورش به سر برده اند و هم اکنون در هیأت بلوائی عظیم پیش می روند. عاملی که موجب چنین انفجاری در چین شد، تریاک، یعنی این افیون سکرآوری بود که توپ های انگلیس به زور به مردم چین تحمیل کرده بودند.

قدرت امپراتوری منچوری و ایمان خرافی به جاودانگی امپراتوری آسمانی در رویارویی با قطعات مسلح انگلیس از هم فروپاشید. به این ترتیب بربریت و انزوای غیر قابل نفوذ چین در رابطه با جهان تمدن در هم شکست و شکافی ایجاد شد که از این پس به مدد طلای کالیفرنیا و استرالیا به گسترش مراودات انجامید و همزمان، سکه نقره ای امپراتوری، که همچون خون سیال در رگهای جاری بود، به سوی هند شرقی بریتانیا سرازیر شد.

تا سال ۱۸۳۰ تراز بازرگانی به نفع چین بود و پیوسته از هند و بریتانیای کبیر و ایالات متحده آمریکا پول نقره وارد چین می شد. ولی از سال ۱۸۳۳ و خصوصاً از سال ۱۸۴۰ صادرات نقره از چین به هند امپراتوری آسمانی را به ورشکستگی کشاند. و از همین رو بود که امپراتور قانون منع تجارت تریاک را به اجراء گذاشت، ولی با مقاومت سر سختانه ای مواجه شد. علاوه بر پیامدهای فوری این وضعیت اقتصادی، ارتکاب به اعمال غیر قانونی و بزهداری در

---

<sup>2</sup> در سال ۱۸۵۱ چین صحنه جنبش های ضد فئودالی بود که به جنگ دهقانان تبدیل شد. از ایالت کوآنگ-سی Kouang-si در جنوب به مناطق مرکزی و تقریباً تمام بستر پائینی و میانه یانگ-تسه Yang-tse گسترش یافت. شورشیان «سرزمین آسمانی صلح بزرگ» را بنیانگذاری کردند

«T'ai-ping tan-ho» و نانکین Nankin را به عنوان پایتخت انتخاب کردند. تایپینگ ها فئودال های منچوری را که در چین فرمانروائی می کردند به قتل می رساندند، مالیات ها را لغو کرده و زمین هائی را که تحت اختیار مالکین بزرگ بود تحت اختیار خود گرفته بودند. این جنبش همانند تمام جنبش های دهقانی در شرق هدف مذهبی نیز داشت: و راهبان معابد بودائی که مورد حمایت سلسله منچوری بودند دائماً مورد تهاجم آنها قرار می گرفتند. انقلاب مردم چین علیه فئودالیسم و مهاجمان خارجی بر پا شد ولی نمی توانست شیوه تولید فئودالی را از بین ببرد. «سرزمین آسمانی» صاحب منصبان خاص خود را ایجاد کرد که همین ها سرانجام با طبقات حاکم به توافق رسیدند. و به این ترتیب موجبات فروپاشی جنبش را فراهم آوردند. مداخلات آشکار انگلیس، اتازونی و فرانسه مهلک ترین ضربات را به انقلاب وارد ساخت. در آغاز چنین قدرت هائی با اعلام بی طرفی از سلسله منچوری حمایت کردند. در سال ۱۸۶۴ واحدهای نظامی شان در اتحاد با فئودال های چینی، جنبش دهقانی تایپینگ ها را تارومار کردند.

پیوند اجتناب ناپذیر با قاچاق تریاک، کارگزاران چینی در مناطق جنوبی را آلوده کرده بود. به همان نسبتی که امپراتور مظهر پدرا نه برای تمام چین تلقی می شد، کارگزاران او نیز در مناطقی که به خدمت گماشته می شدند در چشم عوام از چنین مقامی سهم می بردند. ولی اقتدار پدرا نه دولت که یگانه پیوند اخلاقی با کل نظام دولتی بود، به دلیل بزهکاری و آلودگی کارگزارانش با منافع سرشاری که در همکاری با قاچاقچیان تریاک نصیب شان می شد، اندک اندک رو به زوال رفت. چنین اموری به طور عمده در مناطق جنوبی به وقوع می پیوست که نخستین بارقه های قیام خلق چین نیز از آنجا برخاست. آیا باید یادآور شویم که به همان اندازه که تریاک حاکمیت خود را بر چینی ها تحمیل می کرد، به همان اندازه امپراتور و کارگزارانش نیز از حق حاکمیت برکنار می شدند؟ در نتیجه، به نظر می رسد که گوئی چرخ گردان تاریخ این مردم را چنان هدف گرفته بوده که تا پیش از آن که از خوابی چند صد ساله برخیزند، ابتداء در عالم افیونی فرو روند.

واردات پارچه های پنبه ئی انگلیس و به اندازه کمتری پارچه کتان که تا پیش از این از اهمیت چندانی برخوردار نبود، در سال ۱۸۳۳ به سرعت افزایش یافت. چنین واقعه ای وقتی روی داد که انحصارات بازرگانی با چین از کمپانی هند شرقی به بخش خصوصی واگذار شد، و در سال ۱۸۴۰ حجم این کالاها باز هم افزایش یافت. زیرا کشورهای دیگر و به ویژه ایالات متحده امریکا نیز هر یک سهم مرادفات بازرگانی خود را با چین کسب کرده بودند. وارد کردن محصولات صنعتی خارجی در صنایع چینی همان اثراتی را داشت که پیش از این در آسیای میانه، در ایران و در هند به جا گذاشته بود. بنابراین در چین نیز نخ ریسان و پارچه بافان از رقبای خارجی خود خسارات بسیاری دیدند و به همان اندازه جامعه دچار تحول شد.

گرامتی که پس از جنگ خانمان برانداز در سال ۱۸۴۰ باید به انگلستان می پرداختند<sup>۳</sup>، گسترش عظیم و بی حاصل مصرف تریاک، و سرازیر شدن فلزات گران بها برای خرید آن، تأثیر مخرب رقابت خارجی بر تولید کالاهای بومی، بزهکاری دستگاه دولتی، جملگی دو نتیجه به بار آورد: فشار نظام مالیاتی افزایش یافت و در نتیجه تحمل ناپذیرتر شد و علاوه بر این نظام مالیاتی دیگری نیز به آن اضافه شد. به این ترتیب در پنجم اوت ۱۸۵۳ فرمانی از جانب امپراتور<sup>۴</sup> به بیجینگ و به نایت امپراتور و والیان مناطق جنوبی او-تشانگ<sup>۵</sup> و هانگ یانگ<sup>۶</sup> صادر شد که مالیات ها را بگیرند، ولی نه بیش از حد معمول، و گرنه «مردم بی چاره چگونه می توانند تحمل کنند؟». و امپراتور ادامه می دهد:

«بنابراین شاید ملت من در دوران محرومیت و فلاکت عمومی از تعقیب و خشونت مالیات بگیرها معاف شوند.»

چنین شیوه بیانی ما را به یاد اعطای امتیازات مشابهی می اندازد که در اتریش، یعنی کشوری که آن را چین المانی نیز نامیده اند، به سال ۱۸۴۸ اعلام شد.

همه این عواملی که در زوال کشور دخالت داشت، در کلیه امور اقتصادی، اخلاقی، صنعتی و ساختار سیاسی چین زیر

<sup>۳</sup> در اینجا موضوع به نخستین جنگ تریاک ۱۸۴۲-۱۸۳۹ بین انگلستان و چین مربوط می شود. این جنگ چین را به کشوری نیمه استعماری تبدیل کرد. تخریب ذخایر تریاک تاجران خارجی توسط مقامات چینی در کانتون Canton بهانه آغاز این جنگ بود. استعمارگران انگلیس با فرصتی که شکست چین برایشان فراهم آورده بود، قرارداد نانکین Nankin را در تاریخ ۲۹ اگست ۱۸۴۲ به چین تحمیل کردند. بر اساس این قرارداد بازرگانان انگلیس از این پس مجاز هستند که از پنج بندر کانتون، آموی، فوتچنو، نینگپو، شانگهای استفاده کنند و دفاتر نمایندگی ایجاد نمایند، جزیره هونگ کنگ برای همیشه در اختیار بریتانیای کبیر قرار گرفت و تعرفه های گمرکی به نفع انگلیس ها تغییر کرد. و می بایستی که گرامت سنگینی بردازد.

<sup>۴</sup> Hein-fong

<sup>۵</sup> Ou-Tchang

<sup>۶</sup> Hang-Yang

آتش توپخانه انگلیس در سال ۱۸۴۰ ابعاد گسترده تری یافت و اقتدار امپراتوری را در هم شکست. چنین بود که امپراتوری آسمانی را مجبور ساختند تا با جهان زمینی رابطه برقرار سازد. در حالی که بقای چین کهن منوط به انزوای آن بود. انزوایی که با خشونت و با شرکت انگلیس به پایان کار خود رسید، مطمئناً می بایستی همانند جسدی مومیایی شده که تا پیش از این در تابوت نگهداری می شده در معرض هوای آزاد قرار گیرد. اکنون که انگلستان به انقلاب چین دامن زده است، از این پس پرسشی که می تواند برای ما مطرح شود این است که انگلستان در مقابل چنین انقلابی چه واکنشی نشان خواهد داد و پیامد آن برای اروپا چه خواهد بود. پاسخ به چنین پرسشی چندان مشکل نیست.

توجه خوانندگان ما غالباً نسبت به گسترش کارگاه های صنعتی انگلستان از سال ۱۸۵۰ جلب شده است. در بطن چنین توفیق شگفت انگیزی، تشخیص عوارض فوری بحران اقتصادی کاملاً روشن است. با وجود کالیفرنیا و استرالیا<sup>۷</sup>، و با وجود مهاجرت عظیم و بی سابقه، اگر هیچ اتفاق غیر منتظره ای به وقوع نپیوندد، این جریان باید به مرحله ای بینجامد که آهنگ گسترش بازار نتواند با گسترش کارگاه های صنعتی انگلستان انطباق یابد و چنین اختلالی الزاماً به بحرانی منتهی خواهد شد که مشابه آن در گذشته نیز روی داده است. ولی اگر یکی از بازارهای بزرگ ناگهان دچار اختلال شود، ضرورتاً موجب تسریع بحران خواهد شد. بنابراین در حال حاضر شورش چین مشخصاً واجد چنین تأثیری در انگلستان است. ضرورت ایجاد بازارهای جدید یا گسترش بازارهای قدیمی یکی از دلایل اصلی کاهش سهام مرتبط به چای در انگلستان است، زیرا با رشد واردات چای به انگلستان، انتظار می رفت که صادرات محصولات صنعتی به چین افزایش یابد. از اینرو، ارزش صادرات سالیانه بریتانیای کبیر به چین، پیش از الغای انحصارات کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۳۳، تنها بالغ بر ۶۰۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ بود، در سال ۱۸۳۶ این حجم به ۱۳۲۶۳۸۸ لیور، در سال ۱۸۴۵ به ۲۳۹۴۸۲۷ لیور و در سال ۱۸۵۲ از ۳۰۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ نیز فراتر می رود. حجم چای وارداتی از چین در سال ۱۷۹۳ حدود ۱۶۱۶۷۳۳۱ لیور، ولی در سال ۱۸۴۵ به ۵۰۷۱۴۶۵۷ لیور افزایش پیدا کرد و در سال ۱۸۴۶ به ۵۷۵۸۴۵۶۱ لیور رسید و اکنون به ۶۰۰۰۰۰۰۰ رسیده است.

اکنون، در فصل حاضر، در امر برداشت چای همان گونه که لیست محصولات صادراتی شانگهای نشان می دهد، نسبت به سال گذشته حدود ۲۰۰۰۰۰۰ لیور افزایش داشته است. چنین افزایشی را باید در رابطه با دو عامل تعبیر کنیم. از یک سو، بازار در پایان سال ۱۸۵۱ دچار رکود شدیدی بوده و مازاد آن به صادرات سال ۱۸۵۲ منتقل شده است. از طرف دیگر قوانین جدیدی که انگلستان در امر واردات چای وضع کرده است، چینی ها را بر آن داشت که چای موجود در بازار را به بهای بسیار گرانتری بفروشند. ولی آنچه که مربوط به برداشت محصول در فصل آینده می شود، مشمول وضعیت کاملاً متفاوتی خواهد بود. بر اساس گزارشات یک کارخانه چای در لندن :

« در شانگهای نگرانی به حد اشباع رسیده است. طلا تا ۲۵٪ افزایش یافته و احتکار نیز موجب نایاب شدن پول شده تا جایی که پرداخت گمرکات برای کشتی های بریتانیایی در بنادر چین ناممکن گردیده است. در نتیجه چنین وضعیتی، آقای الکوک<sup>۸</sup> Alcock شخصاً نزد مقامات چینی ضمانت داده است که از روی اعتبارات کمپانی هند شرقی یا اعتبارات دیگر، عوارض بازرگانی را بپردازد. نایاب شدن فلزات گران بها در فصلی که استفاده از آن بیش از هر زمان دیگری ضروری به نظر می رسد، یکی از مناسب ترین موقعیت ها را برای بازرگانی بی واسطه فراهم آورده و به خریداران چای و ابریشم فرصت می دهد که در مراکز داخلی کشور با نقدینه ها و فلزات نقد داد و ستد کنند و تولیدکننده ها نیز به

<sup>۷</sup> اشاره به کشف منابع طلا در کالیفرنیا بسال ۱۸۴۸ و در استرالیا بسال ۱۸۵۱ است که به گسترش اقتصادی کشورهای اروپایی و امریکا انجامید.

<sup>۸</sup> Alcock

فعالیت خود ادامه دهند... در این فصل از سال این نوع معاملات معمول است، ولی در حال حاضر مسأله چیز دیگری است و حرف از حفاظت از اشخاص و اموال آنهاست و همه داد و ستد ها به حال تعویق در آمده ... اگر اقدامی در زمینه تهیه برگ چای در ماه اپریل و مه انجام نگیرد، برداشت این محصول که شامل انواع چای سیاه و سبز می شود، تماماً از بین خواهد رفت.»

مطمناً امر تهیه برگ چای به عهده ناوگان دریائی انگلیس و امریکا و فرانسه نخواهد بود که در آبهای چین مستقر هستند، ولی با مداخلتشان براحتی می توانند همه راه های ارتباطی بین مناطق تولید چای و بنادر صادراتی را دچار بی سر و سامانی کنند. به طوری که باید منتظر افزایش بهای چای در فصل آینده کسری قابل توجهی به وجود خواهد آمد که از هم اکنون شروع شده است - و جهت برداشت چای در فصل آینده کسری قابل توجهی به وجود خواهد آمد که از هم اکنون می توانیم آن را به عنوان امری کاملاً حتمی مد نظر داشته باشیم. ولی موضوع به همین جا خاتمه نمی یابد. چینی ها هر چند که مانند تمام ملت ها در دورانه های انقلابی درجا حاضر به فروش اموال دست و پا گیرشان باشند، بر اساس عادت شرقی چای و ابریشم را در چنین وضعیتی احتکار خواهند کرد و به ازای آن چیزی به جز سکه قبول نمی کنند. بنابراین انگلستان باید منتظر افزایش قیمت یکی از کالاهای مصرفی اش باشد که سرازیر شدن فلزات گرانبها را به همراه خواهد داشت و در عین حال باید شاهد از دست دادن بخش قابل توجهی از بازار پارچه های نخی و کتان خود باشد: <sup>9</sup> The Economist، که همیشه خوشبینانه با تبنانی در همه امور سعی می کند آرامش روحی تجار را فراهم سازد، مجبور شد اعتراف کند که: « جایز نیست که به خاطر صادراتمان به چین که بزرگترین بازار است، به خود ببالیم... به احتمال زیاد صادرات ما به چین دچار مشکل خواهد شد و محصولات منچستر و گلاسکو متقاضیان کمتری خواهد داشت.»

نباید فراموش کرد که بالا رفتن بهای کالاهای ضروری به اهمیت چای و از دست دادن بازاری به اهمیت چین، مصادف خواهد بود با درو کردن ورشکستگی در اروپای غربی و در نتیجه افزایش قیمت گوشت، گندم و دیگر محصولات کشاورزی. چنین امری کاهش بازار کالاهای صنعتی را در پی خواهد داشت. زیرا هر آنگاه بهای کالاهای ضروری که مربوط به نیازهای اولیه است افزایش یابد، فرجام آن در داخل و خارج از کشور، کاهش نسبی تقاضای مرتبط به کالاهای صنعتی خواهد بود. همه نقاط انگلستان از برداشت نامناسب محصولات شکایت دارند. The Economist در این باره می نویسد:

«در جنوب انگلستان، بسیاری از زمین ها بذرکاری نشده اند چه رسد به این که برداشت خوبی داشته باشند، و از سوی دیگر زمین هائی که گندم کاری شده بودند از گیاهان هرزه انباشته شده و برای کشت غلات مناسب نیستند. روی زمین های مرطوب یا ضعیف که به کشت گندم اختصاص دارد، عوارض برداشت نامناسب از هم اکنون آشکار است. موعد کاشت چغندر در حال حاضر گذشته، و خیلی به ندرت کشت شده است. و زمان آماده کردن زمین برای کاشت شلغم بی آنکه کاری انجام گیرد به سرعت می گذرد... باران و برف نیز به کشت جو خیلی خسارت وارد آورد. جو نیز به موقع کاشت نشده بوده تحت چنین وضعیتی محصول خوبی به بار نخواهد آورد. در بسیاری مناطق خیلی از دام های پرورشی از بین رفتند.»

قیمت محصولات کشاورزی علاوه بر غلات بیست، سی و حتا پنجاه درصد بیشتر از سال گذشته است. در قاره اروپا قیمت غلات نسبت به انگلستان افزایش بیشتری داشته و در بلجیم و هالند بهای چاودار تا صد در صد افزایش داشته

---

<sup>9</sup> The Economist هفته نامه انگلیسی که به مسائل سیاسی و اقتصادی اختصاص دارد و در سال ۱۸۴۳ در لندن بنیانگذاری شده است. این هفته نامه به صاحبان صنایع سنگین تعلق دارد.

است. گندم و غلات دیگر نیز به همین سرنوشت دچار شد.

تحت چنین شرایطی، در حالی که بزرگ ترین بخش چرخه بازرگانی رسمی به بازرگانی انگلیس تعلق دارد، مطمئناً می توانیم پیشبینی کنیم که انقلاب چین بارقه ای ست که به انبار باروتی اصابت می کند که نظام صنعتی فعلی انباشته از آن بوده و مدت هاست که در بحرانی عمومی به سر می برد و آمادگی انفجار مهیبی را نوید می دهد. و به این ترتیب چنین انفجاری به خارج نیز سرایت کرده و سپس به انقلابی سیاسی روی قاره اروپا خواهد انجامید.

چنین رویدادی واقعاً صحنه بسیار تماشائی خواهد بود که چین بتواند در جهان غرب سر منشأ انقلاب باشد. و این در حالی ست که قدرت های غربی، از طریق ماشین بخار جنگی انگلیس، فرانسوی و امریکائی نظم امور را در شانگهای، نانکین و دهانه های کانال امپراتوری به عهده دارند. این قدرتهای صادر کننده نظم که خواهان پشتیبانی از سلطنت متزلزل منچوری هستند، آیا فراموش کرده اند که نفرت از خارجی ها و بیرون راندن آنها از امپراتوری، پیش از این، نتیجه ساده وضعیت جغرافیائی و قومی چین بوده است که فقط پس از فتح کشور به دست نژاد تاتار منچوری<sup>10</sup> به نظام سیاسی تبدیل شد؟ جای تردیدی نیست که در آخرین سال های قرن هفدهم نفاق عظیمی ملت های اروپائی را در امر مرادوات بازرگانی با چین به صحنه رقابت با یک دیگر کشاند، ولی چنین امری قویاً مشوق سیاست انزوا طلبی بود که منچوری ها برگزیده بودند. ولی عامل مهم تری وجود داشت که سلسله سلطنتی جدید را به هراس می انداخت و آن نیز این بود که خارجی ها به نارضایتی توده های وسیع مردم چین دامن بزنند و سیطره پنجاه ساله تاتارها را در چین به مخاطره بیندازند. از اینرو برای خارجی ها هر گونه تماسی با چینی ها ممنوع بود، به جز در کانتون<sup>11</sup>، یعنی شهری که در فاصله بسیار زیادی از بیجینگ واقع شده بود و مناطق تولید کننده چای، و بازرگانان تنها با شرکت بازرگانی هونگ<sup>12</sup> می توانستند معامله کنند. هونگ مستقیماً از جانب دولت مأمور رسیدگی به امور بازرگانی خارجی بود و از تماس مداخله گران خارجی با رعایای چینی جلوگیری می کرد. به هر صورت، در حال حاضر هر گونه مداخله ای از سوی دولت های غربی فقط می تواند آتش انقلاب را شعله ورتر سازد و در نتیجه رکود بازرگانی را به درازا کشاند.

در عین حال باید به موقعیت هند اشاره کنیم که دولت بریتانیا با فروش تریاک به چینی ها بیش از یک هفتم درآمدهایش را تأمین می کند، در حالی که تقاضای هند برای محصولات صنعتی بریتانیائی به اندازه قابل توجهی به تولید تریاک در هند بستگی دارد. احتمال این که چینی ها از کشیدن تریاک صرف نظر کنند همانقدر بعید است که ترک تنباکو نزد المانی ها. ولی به این علت که امپراتور جدید نظر مساعدی برای کشت خشخاش و تولید تریاک در چین دارد، به این ترتیب روشن است که ضربه مهلکی به صنعت تریاک در هند وارد خواهد آمد و در آمد بازرگانی هندوستان به مخاطره خواهد افتاد. بی آن که نتایج چنین حوادثی فوراً قابل حصول باشد، ولی تأثیر گذاری آن در اشکال تشدید بحران اقتصاد جهانی به شکل جهانشمول و همه گیر تبلور خواهد یافت، و ما نتایج آن را در چشم انداز آینده در این نوشته به مثابه پیشبینی ترسیم کردیم.

<sup>10</sup> اتحادیه قبایل منچوری که در اوایل قرن هفدهم چین را تهدید می کردند، همچون اقوام ترک و مغول تاتار نامیده می شدند. تاتار نام یکی از قبایل مغول بود که تحت سیادت چنگیز خان بسر می بردند و در شمال شرقی مغولستان و منچوری زندگی می کردند.

<sup>11</sup> Canton

<sup>12</sup> Hong مخفف Ko-Hong کمپانی چینی که بسال ۱۷۲۰ در کانتون بنیان گذاری شد و تا سال ۱۸۴۲ تنها واسطه مرادوات بازرگانی بین چین و بازارهای خارجی بود. هونگ انحصار تجارت خارجی در کشور را به عهده داشت. عهد نامه نانکین Nankin به این دلیل که کو-هونگ بازارهای داخلی را بروی خارجی ها و قاچاقچیان تریاک انگلیس بسته بوده است، منحل اعلام می کند.

از اوایل قرن هجدهم هیچ انقلاب جدی در اروپا به وقوع نپیوسته که پیشاپیش با بحران اقتصادی و بازرگانی آغاز نشده باشد. چنین امری به همان اندازه در نقطه مفصلی با انقلاب ۱۷۸۹ صدق می کند که در سال ۱۸۴۸. حقیقت امر این است که ما به شکل روزمره شاهد عوارضی هستیم که به اختلافات بین مقامات و شهروندان، دولت و جامعه، و بین اقشار مختلف اجتماعی دامن می زند. مضافاً بر این که اختلافات بین قدرت های حاکم نیز پیوسته به نقطه بحران زائی می رسد که خود عامل آن بوده اند و در آخرین کلام به تیغه شمشیر از نیام برکشیده سپرده می شود. پایتخت های کشورهای اروپائی هر روز انباشته از خبرهای جنگ همه گیر است. و هر روز خبرهایی می رسد که صلح را تقریباً تا یک هفته تضمین می کند. نه جنگ و نه انقلاب قادر به حل بحران عمومی اقتصادی و صنعتی اروپا نخواهد بود که در واقع تحت کنترل انگلستان است، یعنی کشوری که نقش نمایندگی صنایع اروپا را در بازار جهانی ایفاء می کند. با توجه به شرایط کنونی نیازی نیست تا بیش از این به بررسی نتایج و پیامد های سیاسی پردازیم که چنین بحرانی می تواند بردار آن باشد.

در حال حاضر رشد بی سابقه کارگاه های صنعتی در انگلستان به انحلال کامل بخش رسمی آن انجامیده است. از سوی دیگر دستگاه دولتی فرانسه را می بینیم که به صحنه معاملات بورس تبدیل شده و اتریش نیز که در کوران منازعات در گیر بین قدرت های واپس گرا بود، پیوسته در آستانه ورشکستگی به سر می برد و مشت های گره کرده ای که از هر سو مردم را به انتقام فرا می خواند. و رؤیای فتوحات روس یک بار دیگر بر جهانیان آشکار می شود.

ادامه دارد